

## غزل شماره ۳۲۴

کرچه افتاد زلفش گری در کارم  
بمجنان چشم کشاد از کرمش می دارم

به طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام  
نخون دل عکس برون می دهد از رخسارم

پرده مطربم از دست برون خواهد برد  
آه اگر زان که در این پرده نباشد بارم

پاسبانِ حرمِ دل شده ام شب همه شب  
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

منم آن شاعرِ ساحر که به افنونِ سخن  
از نیِ گلک، همه قند و شکر می بارم

دیده بخت به افسانه او شد در خواب  
کو نسیمی ز عنایت که کندیدارم؟

چون تو را دگر ای یار نمی یارم دید  
با که گویم که بگوید سخنِ بایارم؟

دوش می گفت که حافظ همه روی است و ریا  
بجز از خاکِ درش با که بود با زارم؟

## تفسیر فال

چیزی را از دیگران پنهان نکنید؛ زیرا از چهره‌ی گلگون و زیبا و احساسات شما، همه‌ی اطرافیانتان به راز درونتان پی برده‌اند. شما در دام فریب قرار گرفته‌اید، به گونه‌ای که با سخنان زیبا و شیرین خود، دیگران را مسحور کرده‌اید. این کلمات دلنشین به قدری جذاب هستند که اجازه نمی‌دهند شما به تفکر عمیق بپردازید و حقیقت را درک کنید. بهتر است از خداوند بخواهید که همیشه عنایت و رحمتش شامل حال شما باشد، چراکه او می‌تواند راهنمایی برای رهایی از این وضعیت باشد و به شما کمک کند تا دوباره بر افکار خود تسلط یابید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)